

شناخت شخصیت معاویه

```
to see this player. Get the Flash Player
var s1 = new SWFObject (
"fckeditor/editor/plugins/flvPlayer/mediaplayer.swf","single","400","300","7" );
s1.addVariable ( "width","400" ); s1.addVariable ( "height","100" );
s1.addVariable ( "autostart","false" ); s1.addVariable (
"file","/sound/salam/860115.mp3" ); s1.addVariable ( "repeat","false" );
s1.addVariable ( "image","" ); s1.addVariable ( "showdownload","true" );
s1.addVariable ( "link","/sound/salam/860115.mp3" ); s1.addParam (
"allowfullscreen","true" ); s1.addVariable ( "showdigits","true" ); s1.addVariable (
"shownavigation","true" ); s1.addVariable ( "logo","" ); s1.write (
"player277857" );
```

لینک دان لود

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: شناخت شخصیت معاویه

روایت اول:

در رابطه با معاویه و أبو سفیان از براء بن عازب نقل شده:

أقبل أبو سفیان و معه معاویة ، فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم: اللهم العن التابع و المتبوع! اللهم عليك بالأقیعس! فقال ابن البراء لأبيه: من الأقیعس؟ قال: معاویة.

وقعة صفین لابن مزاحم المنقري ، تحقیق و شرح عبد السلام محمد هارون ، ص 217

روایت دوم:

با این که طبري مطالبی که در مذمت صحابه است را نقل نمی کند و در خیلی جاها می گوید چون جامعه ، تحمل آن را ندارد ، من آنها را نقل نمی کنم ، ولی می گوید:

قول الرسول علیه السلام و قد رآه مقبلا علی حمار و معاویة یعود به و یزید ابنه یسوق به لعن الله القائد و الراكب و السائق.

رسول الله (صلی الله علیه و سلم) دید که أبو سفیان سوار بر آلاغ شده و معاویه جلوی او و یزید بن أبو سفیان هم پشت سر او راه می روند و حضرت فرمود: خداوند لعنت کند بر سواره و کسی که جلوتر آفسار به دست است و کسی که پشت سر او حرکت می کند.

تاریخ الطبری ، ج 8 ، ص 185 - شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید ، ج 15 ، ص 175

من گمان می کنم آقایان أهل سنت هیچ راهی برای انکار این حدیث ندارند. جز این که گفتند این حدیث ساختگی است. برای این که لعن معاویه از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را توجیه کنند ، گفتند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است:

اللهم إنما أنا بشر ، فأیما رجل من المسلمین سبته أو لعنته أو جلدته ، فاجعلها له زکاة و رحمة.

خداایا! من بنده هستم و هر کسی از مسلمانان را که فحش دادم یا لعن کردم یا حدّ جاری کردم ، آن را برای او زکات و رحمة قرار بده.

إن شاء الله... این را هم جواب خواهیم که این روایت ، ظلم در حق نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) است که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) همین طوری کسی را لعن می کرد و فحش می داد و اینها خواستند ساحت معاویه را از لعن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پاک کنند و این چنین روایاتی را ساختند.

من یادم هست دو سال پیش در مکه مکرمه در منزل دکتر غامدی - یکی از اساتید بزرگ دانشگاه أم القری - مهمان بودم و این بحث مطرح شد و یکی از دانشجویان گفت که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این چنین فرموده است و من به او گفتم: آیا می دانید با این تعبیر ، چه جنایتی را توجیه می کنید؟ گفت: مثلاً چه جنایتی؟ گفتم: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به عنوان لعان و سبب معرفی می کنید. با این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

قسم به کسی که جان من در دست اوست! از زبان من جز حق خارج نمی شود.

اگر بنا بر این باشد ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

لعن الله الراشي و المرتشي و الماشي بينهما.

خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه را.

پس باید رشوه گرفتن از بهترین اعمال باشد. چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است:

خدایا! من بنده هستم و هر کسی از مسلمانان را که من فحش دادم یا لعن کردم یا حد جاری کردم ، آن را برای او زکات و رحمه قرار بده.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زناکار را لعنت کرده و - نستجیر بالله - زنا باید رحمت باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) لعن های زیادی دارد و باید تمام اینها ، مشمول این روایت باشد.

روایت سوم:

روایتی در **أنساب الأشراف** بلاذری آمده که از عبد الله بن عمر نقل می کند:

نزد رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بودیم و حضرت فرمود: الآن فردي از این کوچه می آید که:

بر غير دين من از دنيا خواهد رفت

فطلع معاويه و قال النبي هو هذا.

و دیدم که معاویه از آن کوچه بیرون آمد و حضرت فرمود: این همان شخص است که گفتم.

أنساب الأشراف لبلاذري ، ج 5 ، ص 134 ، چاپ دار الفكر بيروت - تاريخ الطبري ، ج 8 ، ص 186 - وقعة صفين لابن مزاحم المنقري ، تحقيق و شرح عبد السلام محمد هارون ، ص 220

روایت چهارم:

روایتی که معرکه آراء است و سر و صدای زیادی کرده و بزرگان اهل سنت مطالب زیادی درباره آن گفته اند ، نفرینی است که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) در حق معاویه و عمرو بن عاص می فرماید. این دو ، اشعاری ترانه ای می خواندند و نسبت به شهدای احد ، مطالب زشتی را می گفتند و أبو برزه می گوید:

من با رسول الله (صلي الله عليه و سلم) بودم و وقتی صدای ترانه آمد. حضرت به من گفت: بین این صدای کیست؟ من رفتم و دیدم معاویه و عمرو بن عاص بودند که با هم شعر می گفتند. به رسول الله (صلي الله عليه و سلم) خبر دادم و فرمود:

اللهم اركسهما في الفتنة ركسا و دعهما إلى النار دعًا.

خدایا! این دو را با سر در درون فتنه فرار بده و به شدت وارد آتش جهنم کن.

المعجم الكبير للطبراني ، ج 11 ، ص 32 - مسند أبي يعلى ، ج 13 ، ص 429 - كتاب المجروحين لابن حبان ، ج 3 ، ص 101 - وقعة صفين لابن مزاحم المنقري ، تحقيق و شرح عبد السلام محمد هارون ، ص 219 - سير أعلام النبلاء للذهبي ، ج 3 ، ص 132 و ج 6 ، ص 131 - المصنف لابن أبي شيبة الكوفي ، ج 8 ، ص 695 - مسند احمد بن حنبل ، ج 4 ، ص 421 - مجمع الزوائد للهيتمي ، ج 8 ، ص 121 - مسند بزار ، ج 9 ، ص 303 و 310 و المعجم الأوسط للطبراني ، ج 7 ، ص 133 - القول المسدد في مسند أحمد لأبن حجر العسقلاني ، ص 97 - ميزان الاعتدال للذهبي ، ج 4 ، ص 424 - النصائح الكافية لمحمد بن عقيل ، ص 125

در بعضی از منابع ، برای احترام به صحابه ، به جای نام معاویه و عمرو بن عاص ، کلمه **فلان و فلان** آمده است.

این ، لعن نیست و نفرینی است از سوی نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) و شکمی نیست که نفرین

نبی مکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ) عملی خواهد شد.

در کتاب **القول المسدد** به نقل از سیوطی - از استوانه های علمی اهل سنت - این روایت را نقل می کند و می گوید:

بعضی از علمای ما که تلاش کردند بگویند این روایت ضعیف است. خیر ، این روایت صحیح است و شواهدی از روایات ابن عباس در معجم کبیر طبرانی داریم.

القول المسدد فی مسند أحمد لأبن حجر العسقلانی ، ص 96

من به همین روایات اکتفاء می کنم.

من تأسف می خورم با وجود این همه روایاتی که آمده ، اینها انکار می کنند و یا روایات را توجیه می کنند یا بعضی از روایات دروغ و جعلی را جمع کرده اند و اخیراً کتابی در ایران منتشر شده به نام **معاویه را بهتر بشناسیم** و از اول تا آخر این کتاب ، يك سري مطالب دروغ و جعلی و خلاف واقع آورده اند. من رسماً به مؤلف این کتاب - آقای گنجی که از علماء اهل سنت است - اعلام می کنم که آماده هستم در این زمینه چندین جلسه بحث و مناظره داشته باشیم تا ثابت کنیم فرمایشات ایشان به دور از حقیقت است و تحریف تاریخ است.

ما نسبت به فحش و لعن نسبت به معاویه اجتناب داریم و اگر کسی هم بخواهد لعن کند ، از نبی مکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ) تبعیت کرده است:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

سوره احزاب/آیه 21

* * * * *

آقای هدایتی

آیا از امیر المؤمنین (علیه السلام) در رابطه با معاویه ، مطالبی آمده است؟ آیا در رابطه با اصل و نسب معاویه هم مطالبی گفته شده است. در این مورد توضیح بفرمائید.

استاد حسینی قزوینی

اگر کسی به **نهج البلاغه** مراجعه کند ، می بیند که مملو از انتقادات صریح و واضح و روشنی از آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) نسبت به معاویه آمده است. یکی از صریح ترین تعابیری که امیر

المؤمنين (عليه السلام) نسبت به معاویه دارد ، در نامه شماره 17 نهج البلاغه است. وقتی معاویه به أمير المؤمنين (عليه السلام) مي نويسد:

من كاتب وحي و صحابه رسول الله (صلي الله عليه و سلم) بودم و ...

امير المؤمنين (عليه السلام) هم در جواب مي نويسد:

... اگر تو اين چنين هستي ، بدان كه:

و لكن ليس أمية كهاشم و لا حرب كعبد المطلب و لا أبو سفيان كأبي طالب و لا المهاجر كالطليق و لا الصريح كاللصيق و لا المحق كالمبطل و لا المؤمن كالمدغل و لبئس الخلف خلف يتبع سلفا هوي في نار جهنم . . .

جدّ بزرگ تو أمیه مانند جدّ بزرگ من هاشم نیست ، جدّ تو حرب مانند جدّ من مُطلب نیست ، پدر تو أبوسفیان مانند پدر من أبوطالب نیست ، من كه جزء مهاجرین هستم مانند تو كه جزء آزادشدگان روز فتح مكه هستي و مستحق قتل بوديد و رسول اكرم (صلي الله عليه و آله) بر شما منت گذاشت و شما را آزاد كرد نيستم ، من كه نسيم صريح و خالص النسب است مانند تو نيستم كه لصيق و زنازاده و منتسب به غير پدرت هستي . . .

الإمامة و السياسة لابن فتيبة الدينوري ، تحقيق الزيني ، ج 1 ، ص 104 - ربيع الأبرار للزمخشري ، ج 3 ، ص 470 - مروج الذهب للمسعودي ، ج 2 ، ص 61 - وقعة صفين لابن مزاحم المنقري ، ص 471 - كتاب الفتوح لأحمد بن أعثم الكوفي ، ج 3 ، ص 155 - المناقب للموفق الخوارزمي ، ص 256 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد المعتزلي ، ج 15 ، ص 117 - منهاج البراعة للخوني ، ج 18 ، ص 239

آقاي دكتر صبحي صالح - از نويسندگان أهل سنت - در نهج البلاغه ، شماره 3418 مي گويد:

اللصيق: الدعي الملقق بغير أبيه.

زنازاده و كسي كه به غير پدرش چسبانده شده است.

البته اين تعبير امير المؤمنين (عليه السلام) از زبان امام حسن (عليه السلام) هم آمده است كه سبط ابن الجوزي در **تذكرة الخواص ، ص 116** آورده است و از قول امام حسن (عليه السلام) آورده است:

و قد علمت الفراش الذي ولدت فيه.

مي داني كه تو در بستر نامباركي به دنيا آمدي.

إن معاوية كان يقال إنه من أربعة من قریش: عمارة بن الوليد بن المغيرة المخزومي ، مسافر بن أبي عمرو ، أبي سفيان ، العباس بن عبد المطلب.

مادر معاويه با 4 نفر از قریش همبستر شد:

عمارة بن وليد بن مغيرة مخزومي ، مسافر بن أبي عمرو ، أبو سفيان و عباس بن عبد المطلب.

آقاي زمخشري - از علماء بزرگ و استوانه هاي علمي أهل سنت که شخصيتي شناخته شده است - مي گويد:

و كان معاوية يعزي إلي أربعة إلي مسافر بن أبي عمرو و إلي عمارة بن الوليد و إلي العباس بن عبد المطلب و إلي الصباح مغني أسود كان لعمار.

معاويه به 4 نفر نسبت داده شده است:

مسافر بن أبي عمرو ، عمارة بن وليد ، عباس بن عبد المطلب و صباح - آوازه خوان سياه پوست عماره - .

ربيع الأبرار للزمخشري (چاپ جديد ، موسسه علمي بيروت) ، ج 4 ، ص 276 ، باب 66 ، شماره 7

در مناظره اي که بين زياد بن عقييل و معاويه بود ، آقاي بلاذري همين مطالب را نقل مي کند. هم چنين ابن أبي الحديد نقل مي کند:

معاويه نسبت به مادر زياد بن أبيه سخني گفت و زياد بن أبيه به او گفت:

و أما تعبيرك لي بسمية ، فإن كنت ابن سمية فانت ابن جماعة.

... اگر من پسر سمييه هستم ، تو فرزند يك گروه هستي.

شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد ، ج 16 ، ص 183

اين نکته گفتمني است که قبل از ظهور اسلام ، غالب قبائل ، غير از قبيله بني هاشم - که هم از نظر تقوا و متانت و هم از نظر بزرگواري ، زبان زد عام و خاص بودند - ازدواج هاي گروهی در ميان عرب جاهلي رسم بود و چند نفر جمع مي شدند و زني را به همسري انتخاب مي کردند و وقتي فرزندي به دنيا مي آمد ، قيافه شناس مي آوردند و او تشخيص مي داد که اين فرزند به کدام يك از اين افراد

شبهت دارد تا به او منتسب شود. چون دختران رازنده به گور می کردند ، زن در میان قبائل عرب کم بود و حدود 10 نوع ازدواج در میان عرب جاهلی ثبت کرده اند که یکی از آنها ازدواج گروهی بود. لذا امیر المومنین (علیه السلام) به معاویه می فرماید:

و لا الصریح كاللصیق.

نَسَب من مشخص است و نَسَب تو ناپاک است.

* * * * *

آقای هدایتی

نظر علماء بزرگ أهل سنت نسبت به معاویه چگونه است؟ با توجه به روایات منابع أهل سنت ، شهادت عمار یاسر به دست معاویه ، نشان دهنده این است که معاویه أهل آتش جهنم است. در این موضوع هم توضیحی بفرمائید.

استاد حسینی قزوینی

علامه امینی (ره) در **الغدیر** آراء بزرگان و علماء أهل سنت در مورد معاویه را مستند آورده است.

عبد الله بن احمد بن حنبل می گوید از پدرم سوال کردم:

سألت أبي عن علي و معاوية؟ فقال: إعلم أن عليا كان كثير الأعداء ، ففتش له أعداؤه عيبا فلم يجدوا ، فجاؤوا إلي رجل قد حاربه و قاتله ، فأطروه كيدا منهم لعلي.

نظرت در مورد علي و معاویه چیست؟ گفت: علي دشمنان زیادی داشت و هر چه تلاش کردند عیبی برای علي بیابند ، نتوانستند و آمدند سوي معاویه ای که با علي جنگ داشت ، جمع شدند و برای این که بغض شان نسبت به علي را نشان بدهند ، فضائلی را برای معاویه جعل کردند.

المنتظم لابن الجوزي ، ج ، ص 372 - تاريخ الخلفاء للسيوطي ، ص 207 - الصوائق المحرقة لابن حجر الهيتمي ، ص 127 - تحفة الأحوذی للمباركفوري ، ج 10 ، ص 231 - النصائح الكافية لمحمد بن عقيل ، ص 199

آقای ابن حجر عسقلانی این روایت را آورده است و در ذیل آن می گوید:

فأشار بهذا إلي ما اختلقوه لمعاوية من الفضائل مما لا أصل له و قد ورد في فضائل معاوية

أحاديث كثيرة ، لكن ليس فيها ما يصح من طريق الإسناد.

این روایت نشان می دهد احادیثی که درباره معاویه جعل کرده اند ، هیچ کدام اصلی ندارد و صحیح نیستند.

فتح الباری لابن حجر العسقلانی ، ج 7 ، ص 81

آقای مناوی می گوید:

أجمع فقهاء الحجاز و العراق من فريقی الحديث و الرأي منهم مالك و الشافعي و أبو حنیفة و الأوزاعي و الجمهور الأعظم من المتكلمين و المسلمين أن علیا مصیب فی قتاله لأهل صفین ، كما هو مصیب فی أهل الجمل و أن الذين قاتلوه بغاة ظالمون.

جميع فقهاء حجاز و عراق از أهل حديث و أهل رأي و مالك و شافعي و أبوحنیفة و أوزاعي و جمع كثیری از بزرگان متكلمين و مسلمانان بر این عقیده هستند که علی در جنگ با معاویه و در جنگ صفین و جمل ، به حق بود و کسانی که با علی جنگیدند ، ستمگر و ظالم بودند.

فیض القدير شرح الجامع الصغير للمناوي ، ج 6 ، ص 474 - النصائح الكافية لمحمد بن عقيل ، ص 47 - تفسير القرطبي ، ج 16 ، ص 318 - سير أعلام النبلاء للذهبي ، ج 1 ، حاشیه ص 420

در رابطه با قضیه عمار هم به اندیشمندان و جوانان أهل سنت می گویم که اگر هیچ دلیلی برای بطلان معاویه و أهل جهنم بودن او نداشته باشیم ، همین روایت عمار کفایت می کند:

إن عمار مع الحق و الحق مع عمار ، يدور عمار مع الحق أينما دار.

عمار با حق است و حق با عمار است و هر کجا که حق باشد ، عمار به دور آن می چرخد.

الطبقات الكبرى لمحمد بن سعد ، ج 3 ، ص 262 - تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر ، ج 43 ، ص 476 - كنز العمال للمتقي الهندي ، ج 13 ، ص 539

جالب این که در صحیح بخاری آمده است:

تقتله الفئة الباغية ، عمار يدعوهم إلى الله و يدعوهم إلى النار.

عمار را گروه ستمگر و ظالم می کشند. عمار آنها را به طرف خدا دعوت می کند و آن گروه ستمگر ، عمار را به طرف آتش دعوت می کنند.

صحیح البخاری ، ج 3 ، ص 207 ، كتاب الجهاد و السير ، باب مسح الغبار عن الناس في السبيل - صحیح مسلم ، ج 8 ،

در این روایت ، گروه ستمگر آمده است ، نه فرد ستمگر و تمام آن گروه ، اهل آتش هستند ، نه فقط کسی که عمار را کشته است.

آقای حاکم نیشابوری هم می گوید:

إن قاتل عمار و سالبه في النار.

قاتل عمار و کسی که لباس او را می کند ، داخل آتش هستند.

فإنه صحيح علي شرط الشيخين و لم يخرجاه.

این روایت صحیح است با شرط صحیح بخاری و صحیح مسلم؛ ولی آنها این روایت را در کتب خود نیاورده اند.

المستدرک علي الصحيحين الحاكم النيشابوري ، ج 3 ، ص 387

جالب این که:

لما قتل عمار بن ياسر ، دخل عمرو بن حزم علي عمرو بن العاص ، فقال: قتل عمار و قد قال رسول الله صلي الله عليه و سلم: تقتله الفئة الباغية! فقام عمرو بن العاص فرعا يرجع حتي دخل علي معاوية ، فقال له معاوية: ما شأنك؟ قال: قتل عمار! فقال معاوية: قد قتل عمار ، فماذا؟! قال عمرو: سمعت رسول الله صلي الله عليه و سلم يقول: تقتله الفئة الباغية! فقال له معاوية: دحضت في بولك! أو نحن قتلناه؟! إنما قتله علي و أصحابه جاؤوا به حتي ألقوه بين رماحنا أو قال بين سيوفنا.

وقتي عمار کشته شد ، عمرو بن عاص نزد معاويه رفت و گفت: عمار کشته شده است؟! معاويه گفت: کشته شده که شده ، مگر چه شده است؟ عمرو بن عاص گفت: مگر این روایت رسول الله (صلي الله عليه و سلم) را نشنیده ای که فرمود: عمار را گروه ستمگر می کشند؟! معاويه گفت: تو همواره در نجاست خود غوطه ور بودی! مگر عمار را ما کشته ایم؟! عمار را علي و اصحابش کشته اند که او را از خانه اش بیرون کشیده و جلوي شمشیر ما قرار دادند.

مسند أحمد بن حنبل ، ج 4 ، ص 199 - المستدرک علي الصحيحين الحاكم النيشابوري ، ج 2 ، ص 156 السنن الكبرى للبيهقي ، ج 8 ، ص 189 - مجمع الزوائد للهيتمي ، ج 7 ، ص 242 - مسند أبي يعلى ، ج 13 ، ص 124 - تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر ، ج 43 ، ص 431 - سير أعلام النبلاء للذهبي ، ج 1 ، ص 420 - تاريخ الإسلام للذهبي ، ج 3 ، ص 579 - السيرة الحلبية ، ج 2 ، ص 264 - البداية و النهاية لابن كثير ، ج 6 ، ص 240 - الإمامة و السياسة لابن قتيبة الدينوري

جالب اين كه وقتي اين سخن به گوش حضرت علي (عليه السلام) رسيد ، حضرت علي (عليه السلام) فرمود:

لو كنت أنا قتلت عماراً لأنني أخرجته ، لكان رسول الله قتل حمزة و جميع من قتل في حربه ، لأنه هو المخرج لهم.

اگر من عمار را کشته ام و او را از خانه بیرون آوردم ، پس قاتل حمزه و تمام کسانی که در جنگ کشته شدند ، رسول الله بود که آنها را از خانه شان بیرون آورد.

المعيار و الموازنة لأبو جعفر الإسكافي ، ص 97

جالب اين است كه بعضي از بزرگان شان مانند آقاي قرطبي كه حمايت خيلي جانانه اي از معاويه دارد ، مي گويد:

و هذا الحديث من أثبت الأحاديث و أصحابها و لما لم يقدر معاوية علي إنكاره قال: إنما قتله من أخرج ، فأجابه علي بأن رسول الله صلي الله عليه و سلم إذن قتل حمزة حين أخرج.

فيض القدير شرح الجامع الصغير للمناوي ، ج 6 ، ص 474

اگر ما هيچ دليلي بر بطلان معاويه نداشته باشيم ، همين روايات كفايت مي كند. دست از حمايت معاويه برداريد و در روز قيامت ، پرونده تان را نزد رسول اكرم (صلي الله عليه و آله) و أمير المؤمنين (عليه السلام) سنگين نكنيد.

* * * * *

آقاي هدايتي

فهرستي از جرائم معاويه را بيان بفرمائيد.

استاد حسيني قزويني

آقاي محمود أبو ربه - از بزرگان اهل سنت - در كتاب **شيخ المضيرة أبو هريرة** اين موارد را جمع بندي کرده است. يكي از مستبصرين هم اخيراً كتابي در اين زمينه نوشته است و مفصلاً جرايم معاويه را ثبت کرده است. چند مورد را من اشاره مي كنم:

اولاً:

در **مسند احمد** آمده است که معاویه شراب می خورد:

عبد الله بن بريده قال: دخلت أنا و أبي علي معاوية ، فأجلسنا علي الفرش ، ثم أتينا بالطعام فأكلنا ، ثم أتينا بالشراب ، فشرب معاوية ، ثم ناول أبي . . .

مسند احمد بن حنبل ، ج 5 ، ص 347 - مجمع الزوائد للهيتمي ، ج 5 ، ص 42 - تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر ، ج 27 ، ص 127

ثانياً:

معاویه لباس طلا بافت و حریر می پوشید.

سنن أبي داود ، ج 2 ، ص 276

ثالثاً:

وقتي أمير المؤمنین (علیه السلام) از دنیا رفت ، معاویه اظهار شادمانی کرد و گفت:

الحمد لله الذي أمات عليا.

البداية و النهاية لابن كثير ، ج 8 ، ص 331 - تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر ، ج 29 ، ص 287

رابعاً:

برای امام حسن (علیه السلام) ، سمّ فرستاد و فرزند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را مسموم و شهید کردند.

الإستيعاب لابن عبد البر ، ج 1 ، ص 390 - تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر ، ج 13 ، ص 283 - تهذيب الكمال للمزي ، ج 6 ، ص 252 - سير أعلام النبلاء للذهبي ، ج 3 ، ص 274 - البداية و النهاية لابن كثير ، ج 8 ، ص 47

خامساً:

وقتي خبر شهادت امام حسن (عليه السلام) به معاويه رسيد ، از خوشحالي سجده کرد:

و لما بلغ معاوية موت الحسن خراً ساجداً لله.

العقد الفريد ، ج 2 ، ص 298 - وفيات الأعيان و أبناء الزمان لابن خلکان ، ج 2 ، ص 66

سادساً:

بسياري از صحابه پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) مانند عمرو بن حَمَق خزاعي و حجر بن عدي و مالك أشر را کشت.

تاريخ الطبري ، ج 4 ، ص 72 و 187 - الكامل في التاريخ لابن الأثير ، ج 3 ، ص 353 و 482 - تاريخ اليعقوبي ، ج 2 ، ص 230

سابعاً:

محمد بن أبوبکر را به دستور معاويه کشتند:

و او را در پوستين الاغ انداختند و آتش زدند.

فلما بلغ ذلك عائشة جرعت عليه جرعاً شديداً و قنتت عليه في دبر الصلاة تدعو علي معاوية و عمرو.

وقتي اين خبر به عايشه رسيد ، شديداً ناراحت شد و بعد از آن در قنوت نمازهايش معاويه و عمرو بن عاص را لعنت مي کرد.

نامنا:

یکی دیگر از گناهان نابخشودنی معاویه ، شکستن صلح با امام حسن (علیه السلام) است. یکی از موارد صلح این بود که معاویه بعد از خود ، کسی را به عنوان خلیفه معین نکند. ولی یزید بن معاویه را - که شارب الخمر و بی دین و مذهب بودن او مشهور است - به عنوان خلیفه معین کرد. من گمان نمی کنم هیچ سنی و شیعه ای در این شک داشته باشد.

اینها خلاصه ای از جرائمی است که در کتاب های اهل سنت نسبت به معاویه نقل شده است.

* * * * *

سوالات بینندگان

سوال:

این کتاب هایی که شما از منابع اهل سنت آدرس می دهید ، اکثراً کتاب های دست سوم و نه چندان معتبر هستند. شما باید به کتاب های **صحیح بخاری** و **صحیح مسلم** یا سنن اهل سنت استناد کنید. خود رسول الله (صلی الله علیه و سلم) می فرماید:

لیس النبی لعان و طعان

خود امام علی شما در **نهج البلاغه** يك لعن هم ندارد. حتی در **صحیفه سجادیه** و سایر بزرگان شیعه وجود ندارد و آنها لعان نبودند. کسی که خصوصیات پیامبرگونه داشته باشد ، لعان و طعان نیست. این روایات لعن رسول الله (صلی الله علیه و سلم) ، با خصوصیات نبوت ایشان هم خوانی ندارد. این لعن ها در **صحیح بخاری** و **صحیح مسلم** هم آمده است ، ولی شخص به خصوصی را لعن نکرده است. لعن دروغگو و راشی و مرتشی را آورده است. شما يك روایت صحیح در میان محدثین بزرگ اهل سنت مانند بخاری و مسلم نمی آورید که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) شخصیت خاصی لعن را کرده باشد. چرا چاپ کتابی در رابطه با معاویه ، مایه تنگ است؟ چرا نمی گذارید کتاب های علماء اهل سنت چاپ شود؟ من **الغدیر** را مطالعه کرده ام و 99% روایات آن کذب محض است.

جواب:

شما که می گوید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) لعن نمی کرده است و نبی رحمت بود ، در کتاب **موسوعة أطراف الحديث النبوی** که در حقیقت فهرستی از حدود 150 کتاب اهل سنت است

لعن رسول الله ...

از این 300 مورد ، بر فرض 250 موردش دروغ است ، آیا 50 مورد صحیح است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) لعن کرده است یا نه؟

در مورد چاپ کتاب های علماء اهل سنت ، کتاب های زیادی را علماء اهل سنت چاپ کرده اند و من هم غالب کتاب های آنها را دارم. این آقایان باینند در رابطه با خلفاء هر چیزی را که می خواهند ، چاپ کنند و ما مخالفت نیستیم. ولی اگر کتابی بنویسند که عقائد شیعه را زیر سوال ببرند و إلقاء شبهه کنند و در رابطه با حدیث غدیری که واضح ترین حدیث است ، 18 شبهه وارد کنند و عین شبهات بی اساس وهابیت را بنویسند و مطالب این تیمیه و دکتر قفاری و قرضاوی را در این کتاب به زبان فارسی و سلیس نقل کنند ، ما این را بر خلاف قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی ایران می دانیم و از مسئولین وزارت ارشاد هم گلیه می کنیم که چرا کتاب هایی که عقائد شیعه را زیر سوال می برد ، چاپ می شود. ولی آقایان اهل سنت می توانند عقائد خودشان را در کتاب های شان بنویسند.

اما در رابطه با این که ایشان می گوید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کسی را به شخصه لعن نکرده است ، با این که ایشان می گوید من حدیث شناس هستم ، آقای ابن اثیر الجزری در کتاب **أسد الغابة في معرفة الصحابة** - که از کتاب های معتبر و درجه اول رجال صحابه اهل سنت - در **جلد 2 ، صفحه 34** و آقای ابن حجر عسقلانی در کتاب **الإصابة في تمييز الصحابة** ، **جلد 2 ، صفحه 92** صراحتاً می گویند که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) ، حکم بن ابی العاص و تمام کسانی که در صلب او بوده اند را لعن کرده است.

آقای حاکم نیشابوری روایتی را نقل می کند:

لما بايع معاوية لابنه يزيد ، قال مروان: سنة أبي بكر و عمر ، فقال عبد الرحمن بن أبي بكر: سنة هرقل و قیصر ، أنزل الله فيك: «و الذي قال لوالديه أف لكما» الآية قال: فبلغ عائشة رضي الله عنها ، فقالت: كذب و الله! ما هو به و لكن رسول الله صلي الله عليه و آله لعن أبا مروان و مروان في صلبه. فمروان فضض من لعنة الله عز وجل.

هذا حديث صحيح علي شرط الشيخين و لم يخرجاه.

وقتي معاويه به مدینه آمد و خواست برای پسرش يزيد بیعت بگیرد ، مروان گفت: این سنت ابوبکر و عمر است. عبد الرحمن بن ابی بکر - پسر خلیفه اول - گفت: این سنت هرقل های مسیحی و قیصرهای ایرانی است. مروان گفت: این آیه در رابطه با تو نازل شده است:

قَلَّا تَقُلُّ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلُّ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

عایشه شنید و آمد گفت: مروان دروغ می گوید. وقتی مروان در صلب پدرش بود ، رسول الله (صلی الله علیه و سلم) پدر مروان را لعنت کرد ، مروان تکه ای از لعنت خدا است.

المستدرک علی الصحیحین الحاکم النیشابوری ، ج 4 ، ص 481 - فتح الباری لابن حجر العسقلانی ، ج 8 ، ص 433 - عمدة القاری للعینی ، ج 19 ، ص 169 - السنن الکبری للنسائی ، ج 6 ، ص 459 - تفسیر ابن کثیر ، ج 4 ، ص 172 - الدر المنثور للسيوطی ، ج 6 ، ص 41 - تفسیر الآلوسی ، ج 26 ، ص 4 - ینابیع المودة لذوی القربی للقندوزی ، ج 2 ، ص 469 - فتح القدير للشوکانی ، ج 5 ، ص 21 - السيرة الحلیبة ، ج 1 ، ص 510

آقای فخر رازی در تفسیر این آیه:

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحُوفُهُمْ مَا يَرِيدُهُمْ إِلَّا طُعْيَانًا كَبِيرًا

سوره اسراء/آیه 60

می گوید:

قال ابن عباس رضي الله عنه: الشجرة بنو أمية يعني الحكم بن أبي العاص ... و مما يؤكد هذا التأويل قول عائشة لمروان: لعن الله أباك و أنت في صلبه ، فأنت بعض من لعنه الله.

تفسیر الرازی ، ج 20 ، ص 237

این يك مورد به عنوان نمونه بود که آوردم. ده ها مورد وجود دارد که نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) نسبت به افراد مشخصي لعن داشته است. از این بیننده تقاضا داریم برود تاریخ را مطالعه کند و ببیند علت و انگیزه این که اهل سنت ، قنوت را در نماز های شان حذف کرده اند ، چیست؟ با این که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) همیشه قنوت می گرفت. چون پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) در قنوتش تعدادی از دودمان بني أمیه را لعن می کرد و اهل سنت هم قنوت را حذف کردند تا ذکر قنوت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) هم به تبع آن حذف شود. این بیننده که می گوید من حدیث شناس هستم ، باید بدون تعصب به این مسائل نگاه کند. اگر ما يك روایتی را از کتاب **وقعة صفین** آوردیم ، قضیه **کشته شدن عمار توسط گروه ستمگر** را از خود **صحیح بخاری** آوردیم. اگر این بیننده برای این روایت **صحیح بخاری** توجیه دارد ، بیان کند. بر فرض ما از سایر حرف های خودمان می گذریم ، ولی آیا شما نسبت به این حدیث می توانید توجیه یا دلیل بیاورید؟

ایشان که می گوید من **الغدیر** را مطالعه کرده ام و 99% روایات آن کذب محض است ، ای کاش ایشان چند مورد از آن موارد را بیان می کرد تا کذب محض بودن را روشن کند. کتاب **الغدیر** حدود 30 سال است که چاپ شده است و تاکنون آقایان اهل سنت ، هیچ کتابی در رد کتاب **الغدیر** ننوشته اند.

* * * * *

سوال:

أهل سنت و جماعت ، معاویه را **خَالُ الْمُؤْمِنِينَ** - **دائي مؤمنين** - و كاتب وحي مي دانند. پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) به سفارش عموي خود ، معاویه را كاتب مراسلات قرار دادند. آیا این واقعیت دارد؟

جواب:

معاویه ، كاتب وحي؟!

در رابطه با این که كاتب وحي بود یا نه ، در جلسات گذشته گفتیم که بزرگان أهل سنت مانند ذهبي و ابن قتيبه دینوري و ابن عبد ربّه گفته اند:

كاتب وحي بودن معاویه ، دروغ است.

سير أعلام النبلاء للذهبي ، ج 3 ، ص 132 - العقد الفرید لابن عبد ربّه ، ج 4 ، ص 160 - المعارف لابن قتيبة الدينورية ، ص 30

آقای عبد الرحيم خطيب - از نویسندگان أهل سنت معاصر ایران - در کتاب **شیخین** ، صفحه 159 مي گوید:

بر خلاف آنچه که شنیده مي شود ، معاویه از کاتبين وحي نبوده است؛ بلکه برخی اوقات نامه هاي عادي براي رسول خدا مي نوشت و همین امر ، منشأ اشتباه بود که او نیز از کاتبين وحي بوده است.

کاتب وحي بودن هم هیچ فضیلتی نیست. دیده ایم که عبد الله بن أبي سرح كاتب وحي بود و شیعه و سنی هم بر این معتقد است و عاقبت هم مرتدّ و از دین خارج شد و جزء کسانی است که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) خون او را هدر اعلام کرد.

معاویه ، خَالُ الْمُؤْمِنِينَ؟!

یکی از بحث های دردآور ، این است که آقایان أهل سنت به معاویه مي گویند:

کسی که این را گفته ، من شبهه ندارم که خواسته است يك دهن كجي به أمير المؤمنين (عليه السلام) داشته باشد. اگر آقاي معاويه ، برادر أم حبيبه - همسر پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) و دختر أبو سفیان - است ، آقاي محمد بن أبي بكر هم برادر أم المؤمنين عایشه است. آیا آقایان أهل سنت حاضرند به محمد بن أبي بكر بگویند: **خال المؤمنین** ؟ یا این که چون محمد بن أبي بكر با أمير المؤمنين (عليه السلام) بوده ، نه تنها **دایي مؤمنین** نیست ، بلکه حرف هاي زشتي هم به او مي گویند؟

از همه اینها بالاتر ، آیا نسبت به جناب أبوبکر و عمر که پدر زن پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) بودند ، آیا حاضرند بگویند: **جدّ المؤمنین**

آیا آقایان أهل سنت حاضرند به پدر صفیه که يك يهودي بود ، بگویند: **جدّ المؤمنین**

چطور شد که در میان این همه برادران **أمهات المؤمنین** ، فقط این قرعه به نام معاويه افتاد؟ معاويه اي که 8 سال تمام با پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) جنگید و حتي وقتي در سال فتح مکه ، معاويه در بیرون از مکه بود و پدرش أبو سفیان مسلمان شد ، معاويه در شعري مذمت آمیز به پدرش نوشت:

تو با مسلمان شدنت ، ننگ براي ما آوردی. اینها همان هايي هستند که برادران و عموها و ... مرا کشتند.

این مایه تأسف است که این آقایان ، کسانی را که بنیان گذار شجره ملعونه دودمان بني أمیه و بني مروان بودند و این قضایا را درست کردند ، **خال المؤمنین** مي نامند.

* * * * *

سوال:

آیا پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) بعد از خودشان جانشین تعیین کردند؟ اگر جواب ، خیر است ، آیا کار پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) صحیح و درست بود یا نادرست؟ اگر درست بود ، پس چرا عمر و أبوبکر و أبو عبیده جراح در سقیفه بني ساعده جمع شدند و به تعیین جانشین پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) مشغول شدند؟ اگر تعیین جانشین خوب است ، چرا مي گویند پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) کسی را انتخاب نکرد؟ اگر بد است ، چرا أبوبکر و عمر این کار را کردند؟ چطور شد که به ذهن آنها رسید جانشین تعیین بکنند ، ولي پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) که رحمت براي عالمین بود و داراي مقام عصمت و طهارت برخوردار بود ، به ذهن ایشان نرسید؟

جواب:

إن شاء الله در فرصتی مناسب ، خواهیم گفت که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) به دفعات متعدد به خلافت امیر المؤمنین (علیه السلام) سخن گفته است. در اولین جلسه اعلان رسالت در مکه بعد از نزول این آیه:

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

سوره شعراء/آیه 214

دست بر شانه حضرت علی (علیه السلام) زد و فرمود:

هذا أخي و وصيي و خلیفتي

و تا آخرین لحظات عمرشان در حدیث غدیر و در مریضی آخرین روزهای عمرشان ، خلافت حضرت علی (علیه السلام) را به کرات گوش زد کردند و معرفی کردند. هم چنین خواهیم گفت که چطور شد صحابه با این کار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مخالفت کردند؟ این صحابه در طول این 23 سال ، با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چه کار کردند؟ آیا همه اینها فرشته بودند و هر چه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمود ، اینها سمعاً و طاعةً می پذیرفتند؟ آیا این آقایان فراموش کردند در همین حجة الوداع که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود از احرام خارج شوید و عمره را تمام کنید و دوبار برای تمتع ، احرام ببندید ، صحابه در برابر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ایستادند؟ در **صحیح مسلم** آمده است که خود عایشه أم المؤمنین می گوید:

فدخل علي و هو غضبان! فقلت: من أغضبك يا رسول الله؟ أدخله الله النار! قال: أو ما شعرت أني أمرت الناس بأمر فإذا هم يترددون؟!

رسول الله (صلی الله علیه و سلم) وارد منزل من شد در حالی که غضبناک بود. گفتم: یا رسول الله! چه کسی تو را به غضب آورده است؟ خداوند او را وارد آتش جهنم کند! حضرت فرمود: آیا نمی فهمی که من مردم را امر می کنم ، ولی آنها حرف مرا به خودم برمی گردانند و ردّ می کنند و قبول نمی کنند؟!

صحیح مسلم ، ج 4 ، ص 34

در **مسند احمد** هم این چنین آمده است:

حتى دخل علي عائشة غضبان ، فرأت الغضب في وجهه ، فقالت: من أغضبك؟ أغضبه الله! قال: و ما لي لا أغضب؟ و أنا أمر بالأمر فلا أتبع.

مسند احمد ، ج 4 ، ص 286

این قضایا يك مورد یا دو مورد نیست. إن شاء الله در آینده مفصلاً در این مورد صحبت خواهیم کرد.

* * * * *

سوال:

وظیفه ما در مقابل کسانی که به 14 معصوم (علیهم السلام) توهین می کنند ، چیست؟

جواب:

چون در نظام جمهوری اسلامی ایران هستیم ، اگر کسی جسارتي به ائمه (علیهم السلام) بکند ، باید حتما گزارش داده شود و پرونده تشکیل داده شود و قاضي هم حکم صادر کند. اگر کسی - نستجیر بالله - به ائمه (علیهم السلام) فحش و ناسزا بگوید و از روی عصبانیت و جهل نباشد ، همه فقهاء فتوا داده اند که باید از ائمه (علیهم السلام) دفاع کرد. البته به شرط آن که برای خودش ضرري مترتب نشود. کسی که نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) ناسزا بگوید ، ناصبی است و خونس هدر است و منکر آیه مودت است.

* * * * *

سوال:

کسانی که فقط اسم مسلمان را دارند و تمام کارهاي بد را در خارج از کشور انجام می دهند و وقتي گرفتاري مالي پیدا می کنند ، اگر ما به اینها کمک نکردیم ، آیا گناه کرده ایم؟

جواب:

در روایت آمده است:

من أصبح لا يهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم.

کسی که نسبت به امور مسلمانان اهتمام نرزد ، مسلمان نیست.

الكافي للكليني ، ج 2 ، ص 163

هر کس که گوینده لا إله إلا الله و محمد رسول الله باشد ، چه شیعه باشد و چه سني ، اگر گرفتاري دارد ، بر همه عزیزان واجب است مشکلات او را برطرف کنند. حتي چه بسا کمک به يك يهودي یا مسيحي یا سني ، باعث تحوّل در او شود و اثر بگذارد و او هم سنت حسنه کمک به دیگران را عمل کند یا نسبت به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) تمایل بیشتری پیدا کند. اما اگر کسی ناصبی باشد و

نسبت به أهل بیت (علیهم السلام) ، ناسزا بگوید ، ما نواصب را نجس و دشمن أهل بیت (علیهم السلام) و بدتر از یهود می دانیم و نباید به آنها کمک کرد.

* * * * *

سوال:

شما قبلاً گفتید که عمر گفته است: **قبلت النار**. این حدیثی که شما نقل کردید ، از چه سندی است؟

آقای هدایتی:

البته من نگفتم **قبلت النار**؛ بلکه گفتم: **النار و لا العار** . این تعبیر در منابع شیعه ، مکرر وجود دارد. اما در منابع أهل سنت نگاه می کنیم که آیا وجود دارد یا خیر و در جلسات آینده اعلام می کنیم.

جواب:

این تعبیر را که از شخص خلیفه دوم آمده باشد ، من نشنیده ام. ولی تعبیر: **النار و لا العار** در مصادر أهل سنت زیاد آمده است.

البته در **نهج البلاغه** ، در **خطبه 192** ، أمير المؤمنين (علیه السلام) در خطاب به بعضی از مخالفین می فرماید:

ما تتعلقون من الإسلام إلا بإسمة و لا تعرفون من الإيمان إلا رسمه ، تقولون النار و لا العار

...

* * * * *

* * * * *

* * * * *

«» و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته «»»

